



تعیین مدل علی ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای بر اساس هوش هیجانی و سبک‌های ابراز هیجان با میانجیگری تفکر استراتژیک در کارمندان بانک‌ها

زینب غیائی^۱، پرستو آقایی گلدیانی^۲

چکیده

پیش‌زمینه و هدف: هدف از انجام این پژوهش تعیین مدل علی ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای بر اساس هوش هیجانی و سبک‌های ابراز هیجان با میانجیگری تفکر استراتژیک در کارمندان بانک‌ها بود. **مواد و روش کار:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی (رابطه‌ای) بود. جامعه شامل کارمندان مرد ۳۰ الی ۴۵ ساله بانک‌های منطقه ۱ شهر تهران بود که از میان آن‌ها ۲۵۰ نفر به‌عنوان نمونه به‌صورت در دسترس انتخاب‌شده و پرسشنامه‌های ابراز گری هیجانی کینگ و امونز (۱۹۹۰)، هوش هیجانی برادبری و گریوز (۲۰۰۴)، تفکر استراتژیک گلمن (۲۰۰۷) و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای لایستل و همکاران (۲۰۱۰) را تکمیل نمودند. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل برای اندازه‌گیری متغیرهای پنهان از کفایت و برازش لازم نسبی برخوردار است. علاوه بر این تفکر استراتژیک و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای دارای تناسب پیش‌بینی متوسط و قوی می‌باشند. همچنین ۶۱/۱ درصد از تغییرات متغیر تفکر استراتژیک توسط هوش هیجانی و سبک‌های ابراز هیجان و ۷۰/۴ درصد از تغییرات ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای توسط هوش هیجانی، سبک‌های ابراز هیجانی و تفکر استراتژیک تبیین می‌شود. **بحث و نتیجه‌گیری:** با تکیه بر ساختار تفکر استراتژیک و آموزش پذیر بودن آن؛ دخالت دادن این نوع تفکر می‌تواند مسیر رابطه‌ی بین ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای با هوش هیجانی و سبک‌های ابراز هیجان را بازتعریف نماید.

کلید واژه‌ها: ذهنیت‌های طرح‌واره، هوش هیجانی، سبک‌های ابراز هیجان، تفکر استراتژیک

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه دانش البرز، آبیک، ایران (نویسنده مسئول) pa.aghaee@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه ایوان کی، ایوان کی، ایران

رشد و شکوفایی یا رکود اقتصادی کشور با طرز کار مؤسسات بانکی ارتباط نزدیکی دارد. نظام بانکی خدماتی عرضه می‌نماید که بدون آن سیستم اقتصادی کشور از حرکت بازمی‌ماند، سرمایه موجود در بانک‌ها منبع اصلی خرید محصولات و خدمات و وام‌های اعطایی آن‌ها، منبع ایجاد اعتبار برای تمام واحدهای اقتصادی است. بنابراین فعالیت بهینه بانک‌ها و استفاده مؤثر از امکانات در دسترس آن‌ها برای رسیدن به اهدافشان از جمله بهره‌برداری از سرمایه و تجهیز آن، بر فعالیت‌های مختلف اقتصادی و وضع کلی اقتصاد کشور بسیار مؤثر می‌باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد کارکنان راضی و سالم نسبت به کارکنان ناراضی و دارای مسائل روان‌شناختی، انگیزه بیشتری داشته و بهتر کار می‌کنند، خدمات بهتری عرضه نموده و بنابراین بازدهی بیشتری نیز دارند (نایب زاده و صنیعی، ۱۳۹۱).

اقتصاددانان یکی از عوامل مهم توسعه و رشد اقتصادی را سرمایه‌گذاری مولد می‌دانند. برای انجام یافتن این امر نیاز به منابع مالی و پولی و نیز تجهیز و هدایت این منابع در جهت فرآیند توسعه اقتصادی است که در این میان نقش بانک‌ها مهم و تعیین‌کننده می‌باشد. کیفیت و توانمندی نیروی انسانی، عامل مهم بقاء و حیات سازمان است. نیروی انسانی توانمند، سازمان توانمند را به وجود می‌آورد. از نظر دراکر رشد اقتصادی مرهون توانمند کردن کارکنان است (داشگرزاده، حق‌شناس کاشانی و مهدی نژاد، ۱۳۹۱). میرباقری، منیر پور و ضرغام حاجبی (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند که از جمله عواملی که بر ارتقای سطح عملکرد کارمندان و اثربخشی آن‌ها اثرگذار است، مقوله طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه^۱ می‌باشد. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خودشنونده‌ای هستند که در جریان رشد آغاز می‌گردند و در سرتاسر زندگی تکرار می‌شوند. از سوی دیگر، آسیب‌شناسی فرد می‌تواند، بازتاب طرح‌واره‌های ناسالم وی باشد. بنابراین طرح‌واره‌های منفی و ناسازگار که بیشتر در پی تجربه‌های ناگوار دوران کودکی پدید می‌آیند می‌توانند به‌عنوان هسته اصلی اختلال شخصیت و بسیاری از بیماری‌های محور I ایفای نقش کنند. از آنجاکه طرح‌واره‌ها، هسته خود پنداره^۲ فرد را شکل می‌دهند اگر دارای محتوای ناسازگار باشند افراد را نسبت به گستره‌ای از کاستی‌ها و مشکلات آسیب‌پذیر می‌کنند. بررسی‌های چندی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در شکل‌گیری و گسترش بسیاری از مشکلات روان‌شناختی همچون اختلال‌های شخصیت^۳، افسردگی مزمن^۴ و اختلال‌های اضطرابی^۵ نقش دارند (یانگ، کلوسکو و ویشار، ترجمه حمید پور و اندوز، ۱۳۹۹). یانگ و همکاران (۲۰۰۸) بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار، ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای^۶ را معرفی کردند. ذهنیت طرح‌واره‌ای عبارت است از طرح‌واره‌ها یا عملکردهای طرح‌واره‌ای (سازگار یا ناسازگار) که در حال حاضر در سیستم پردازش اطلاعات فرد فعال شده‌اند. ذهنیت طرح‌واره‌ای ناکارآمد را می‌توان به‌عنوان بخشی از خویشتن در نظر گرفت که با طرح‌واره‌ها یا عملکردهای طرح‌واره‌ای خاصی ارتباط دارد و هنوز به‌طور کامل با سایر بخش‌های خویشتن یکپارچه نشده است (یانگ، ترجمه صاحبی و حمید پور، ۱۳۹۹).

یانگ مدل ذهنیت طرح‌واره‌ای را برای توضیح و فهم بهتر نوسان‌های خلقی در نظر گرفته است که این ایده را قبلاً بک^۷ در یک ورکشاپ بالینی استفاده کرده بود. ذهنیت طرح‌واره‌ای یک الگوی سازمان‌یافته از تفکر، احساس و رفتار است که منشأ آن مجموعه‌ای از طرح‌واره‌هاست که از سایر ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای، مستقل می‌باشد (آقایی گلدیانی و غیائی، ۱۳۹۹). فرض بر این است که افراد از یک ذهنیت به ذهنیت دیگر پرش می‌کنند و یا یک ذهنیت را به‌طور عمیق در خود احساس می‌کند (اخوتی و جمشیدی، ۱۳۹۶). این ذهنیت‌ها حالات هیجانی و پاسخ‌های مقابله‌ای لحظه‌به‌لحظه‌ای هستند که توسط موقعیت‌ها (گره‌های هیجانی) برانگیخته می‌شوند و شامل چهار گروه کلی ذهنیت‌های کودکانه، ذهنیت‌های مقابله‌ای ناکارآمد، ذهنیت‌های والد ناکارآمد و ذهنیت بزرگسال سالم^۸ هستند (ایرانی، ۱۳۹۸).

طرح‌واره‌ها نقش عمده‌ای در تفکر، احساس، رفتار و نحوه برقراری ارتباط با دیگران بازی می‌کنند و به‌گونه‌ای متناقض و اجتناب‌ناپذیر، زندگی بزرگسالی را به شرایط ناگوار دوران کودکی می‌کشاند که غالباً برای فرد زیان‌بخش می‌باشد (نعمی پور و پورمیدانی، ۱۳۹۶). رامتین فر و علیزاده (۱۳۹۹) طی پژوهشی نشان دادند که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به‌واسطه متغیرهایی همچون هوش هیجانی^۹ قابل پیش‌بینی می‌باشند. نتایج پژوهش‌های دیگری (جاوید پشکه و جواد، ۱۳۹۸؛ موسی زاده و عظیمی، ۱۳۹۸ و قنبری، میرزا حسینی و ستایشی اظهار، ۱۳۹۷) نیز بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش هیجانی رابطه معناداری به دست آوردند. هوش هیجانی توانایی درک هیجانات و عواطف به‌منظور دستیابی و ایجاد هیجاناتی است تا ضمن کمک به تفکر بهتر، بتواند به شناخت هیجانات و عواطف بپردازد. ضمناً هماهنگی لازم میان عواطف و احساسات برای ارتقا عاطفی و هوشی را فراهم آورد (سانج و رويس، ۲۰۱۷). درواقع هوش هیجانی نوعی پردازش

¹ Early Maladaptive Schemas

² Self-concept

³ Personality disorders

⁴ chronic depression

⁵ anxiety disorders

⁶ Schema Modes

⁷ Beck

⁸ Healthy Adult Schema Mode

⁹ emotional intelligence

¹⁰ Sanche & Ruis

عاطفی است که شامل ارزیابی صحیح عواطف خود و دیگران، بیان مناسب عواطف و تنظیم مناسب آن‌هاست؛ به نحوی که به بهبود جریان زندگی منجر شود (الشماری، پسیان، گنزالس و تورس^۱، ۲۰۲۰). نلسون و لاو^۲ (۲۰۰۳)، هوش هیجانی را نقطه تلاقی توانایی‌ها و مهارت‌های مهارت‌های پیشرفته در شناخت دقیق خود و نقاط قوت و ضعف شخصی، ایجاد تداوم روابط سالم و اثربخش، همکاری مفید و ثمربخش با دیگران، برخورد اثربخش و سالم با خواسته‌ها و فشارهای زندگی روزمره می‌دانند. داماسیو^۳ در تعیین قدرت اثربخشی هیجان‌ها در رفتار معتقد است که هیجان‌ها و پایه‌های بیولوژی آن، هم به صورت مثبت و هم به صورت منفی و اغلب ناآگاهانه در تصمیم‌گیری درگیر بوده و چارچوبی برای شناخت اجتماعی فراهم می‌کنند و برای پردازش خود که آگاهی را تقویت می‌کنند، ضروری هستند. او هیجان را پاسخ فیزیولوژیک بدن و احساس را برداشت مغز از این پاسخ می‌داند (داماسیو، ترجمه سهرابی و عباسی فر، ۱۳۹۰).

گلمن^۴ (۲۰۰۵) هوش هیجانی را عامل مهمی در شکوفایی توانایی افراد برای کسب موفقیت در زندگی تلقی می‌کند و آن را با سلامتی عاطفی و در مجموع، سلامتی روانی مرتبط می‌داند. به باور مایر و سالوی^۵، هوش هیجانی عبارت است از توانایی نظاره کردن احساسات خود و دیگران، فرق گذاشتن میان احساسات خود با دیگران، استفاده از این امر به منظور هدایت افکار و اعمال خود (مایر و سالوی، ۱۹۹۷).

روست و سیاروچی^۶ (۲۰۰۵)، در تحقیقات خود نشان دادند، کارمندانی که در درک احساسات خویش و زیردستانشان ماهر هستند، احتمال زیادی دارد تا بازدهی تجاری بالایی را کسب کنند و توسط کارمندان و مدیرانشان به عنوان رهبر مؤثر مورد توجه قرار گیرند. بر طبق نظریات دیکتر^۷ (نقل از سلیمان و آل شیخ^۸، ۲۰۰۷)، عالی‌ترین کارمندان و مدیران باید هوش هیجانی داشته باشند تا بر اساس ترکیب خود مدیریتی و مهارت‌های ارتباطی و آگاهی از اینکه چگونه رفتار آن‌ها در سازمان، بر دیگران تأثیرگذار است، تصمیمات مناسب را اتخاذ کنند. از طرفی نیز ایزدی، اشرفی و فتحی آشتیانی^۹ (۱۳۹۷) در طی پژوهشی بیان کردند که باورها و طرح‌واره‌های افراد در مورد هیجانات می‌تواند تعیین‌کننده‌ی راهبردهای به کار برده شده‌ی تنظیم هیجان مانند سبک‌های ابراز هیجان باشد. سبک‌های ابراز هیجان به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی هیجان به نمایش بیرونی هیجان بدون توجه به ارزش مثبت یا منفی یا شیوه تجلی آن (چهره‌ای، کلامی، بدنی یا رفتاری)، اطلاق می‌شود. کینگ و امونز^{۱۰} (۱۹۹۰)، سه بعد اساسی در ابراز گری هیجانی مطرح کرده‌اند که این سه بعد شامل ابراز هیجان مثبت^{۱۱}، ابراز هیجان منفی^{۱۲} و ابراز صمیمیت^{۱۳} است. بعضی افراد هیجان‌هایشان را آزادانه و ظاهراً بدون نگرانی از پیامدهای آن ابراز می‌کنند؛ ولی برخی دیگر در انتقال حالت‌های هیجانی خود محافظه‌کار هستند (امونز و کلی^{۱۴}، ۲۰۱۳)؛ تفاوتی که اگر شناخته نشود، می‌تواند در ارتباط‌های بین فردی مشکل‌آفرین باشد. در حقیقت، وقتی هیجان‌ها به سبک غلطی ابراز شوند، در بافتی نامناسب رخ دهند، خیلی شدید باشند و زیاد به طول بینجامند، مشکل‌آفرین و آسیب‌زا می‌شوند (ورنر و کروس^{۱۵}، ۲۰۱۰)؛ به نقل از صبحی قراملکی، مشایخ، بوروبور و عباسی، ۱۳۹۹). گرتز^{۱۶} (۲۰۱۹) در پژوهشی رابطه بین تفکر استراتژیک در بین کارمندان سازمان و سبک‌های ابراز هیجان را بررسی کرد و نشان داد که بین تفکر استراتژیک و سبک‌های ابراز هیجان رابطه مثبتی وجود دارد. درواقع تفکر استراتژیک یک فرایند تحلیل، ارزیابی، بازتاب طبیعت کسب‌وکار، درک موقعیت فعلی و وضعیت‌های ممکن آینده، خلق چشم‌انداز از آینده‌ی سازمان، توسعه‌ی ابزارها و روش‌های ممکن برای دستیابی به این چشم‌انداز، وزن دادن به انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری در مورد نحوه‌ی عمل است (پالماتیر^{۱۷}، ۲۰۰۸). تفکر استراتژیک یک فرایند مداوم است که هدف آن رفع ابهام و معنا بخشیدن به یک محیط پیچیده می‌باشد. این فرایند تجزیه و تحلیل موقعیت و همچنین ترکیب خلاقانه نتایج تحلیل در قالب یک برنامه استراتژیک موفقیت‌آمیز را در برمی‌گیرد (بون^{۱۸}، ۲۰۰۵). در الگوی لیدکا^{۱۹} (۱۹۹۸) عناصر اصلی تفکر استراتژیک به صورت مشخص و بامعنا ارائه شده است که شامل نمایی از سیستم، تمرکز بر هدف (عزم استراتژیک)، فرصت‌جویی هوشمندانه، پیشروی با فرضیه و تفکر در زمان می‌باشد. تفکر استراتژیک، فرایندی خلاقانه و واگرا^{۱۸} است و با چشم‌انداز و دورنمای طراحی مدیران مرتبط است که این امر، مستلزم فراتر رفتن اندیشه مدیران و کارمندان از عملیات روزمره، باهدف تمرکز بر قصد استراتژیک می‌باشد (بازباری و مهدیزاده اشرفی، ۱۴۰۰).

¹ Alshammari, Pasay-an, Gonzales & Torres

² Nelson & Low

³ Damasio

⁴ Goleman

⁵ Mayer & Salovey

⁶ Rosete & Ciarrochi

⁷ Dictor

⁸ Suleiman & Al-shaikh

⁹ King & Emmons

¹⁰ Expressing positive emotion

¹¹ Express negative emotion

¹² Express your sincerity

¹³ Colby

¹⁴ Werner & Gross

¹⁵ Palmatier

¹⁶ Bonn

¹⁷ Liedtka

¹⁸ divergent

گلدمن و کاسی^۱ (۲۰۱۰) تفکر استراتژیک را به صورت یک تفکر ادراکی، سیستم محور، هدایت کننده و یک تفکر فرصت طلبانه که افراد و سازمان را به سوی اکتشافات جدید و استراتژی های آرمانی هدایت می کند تعریف می کنند. در ایجاد و توسعه ی توانایی استراتژیکی فکر کردن نیاز به این دارد که واقعاً درک کنیم که و چه چیز اتفاق می افتد و چه چیز می خواهیم (به نقل از تبتیان، علیرضایی، عبدوستی و مصباح، ۱۴۰۰).

با تکیه بر ساختار تفکر استراتژیک و آموزش پذیر بودن آن؛ به نظر می رسد دخالت دادن این نوع تفکر بتواند مسیر رابطه ی بین ذهنیت های طرح واره ای باهوش هیجانی و سبک های ابراز هیجان را بازتعریف نماید؛ ادعایی که در قالبی فرضیه بوده و نیازمند مطالعات بیشتری است. با توجه به مباحث مطرح شده و ارتباط چندگانه ی متغیرهای بیان شده (هوش هیجانی، سبک های ابراز هیجان و تفکر استراتژیک و تأثیر احتمالی ذهنیت های طرح واره ای بر آن ها) در این پژوهش به بررسی این متغیرها پرداخته و با توجه به گستردگی مبحث، این سؤال اصلی را مطرح نموده است که آیا مدل پیشنهادی پژوهشگر باهدف تعیین مدل علی ذهنیت های طرح واره ای بر اساس هوش هیجانی و سبک های ابراز هیجان با میانجیگری تفکر استراتژیک در کارمندان بانک ها دارای برازش می باشد؟

مواد و روش کار

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه این پژوهش شامل کارمندان مرد ۳۰ الی ۴۵ ساله بانک های منطقه ۱ شهر تهران بود. با عنایت به نظر متخصصان آماری، در مطالعات مبتنی بر مدل یابی معادلات ساختاری، تعداد بالاتر از ۲۰۰ نفر مناسب تشخیص داده شده است (شوماخر و لومکس^۲، ترجمه قاسمی، ۱۳۸۸)؛ لذا در این پژوهش تعداد ۲۵۰ نفر به عنوان نمونه به صورت در دسترس انتخاب شدند. جمع آوری اطلاعات تئوری به صورت کتابخانه ای و داده های پژوهش به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه های استاندارد به شرح ذیل بود.

– پرسشنامه ابراز گری هیجانی (EEQ)

این پرسشنامه توسط کینگ و امونز در سال ۱۹۹۰ طراحی شده است که سه مؤلفه و ۱۶ ماده دارد. ۷ ماده آن مربوط به مؤلفه ابراز هیجان مثبت (۱-۷)، ۵ ماده آن مربوط به مؤلفه ابراز صمیمیت (۸-۱۲) و ۴ ماده آن مربوط به مؤلفه ابراز هیجان منفی (۱۳-۱۶) است. کینگ و امونز (۱۹۹۰) آلفای کرون باخ را ۰/۷۰ به دست آوردند و روایی همگرایی معنی داری بین آن و مقیاس عاطفه مثبت و پرسشنامه شخصیت چندبعدی به دست آوردند ($p < ۰/۰۵$). حسنی و یزدی (۱۳۹۴)، ضریب های آلفا برای خرده مقیاس های مثبت، ابراز صمیمیت، ابراز هیجان منفی و کل راه به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۴، ۰/۸۲ و ۰/۷۸ به دست آوردند.

– پرسشنامه هوش هیجانی

این پرسشنامه توسط برادبری- گریوز (۲۰۰۴) تهیه شده و دارای ۲۸ ماده است که به ۵ مقیاس هوش هیجانی کلی، خودآگاهی، خود مدیریت، آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط، تقسیم می شود. شیوه ی نمره گذاری آزمون بر مبنای مقیاس لیکرت، نمره گذاری می باشد؛ یعنی هر یک از گزینه ها امتیازی بین ۱ تا ۶ دارند (هرگز (۱ امتیاز)، به ندرت (۲ امتیاز)، گاهی (۳ امتیاز)، معمولاً (۴ امتیاز)، تقریباً همیشه (۵ امتیاز) و همیشه (۶ امتیاز). جمع نمراتی که آزمودنی در هر یک از سؤالات کسب می کند نمره کل آزمون را تشکیل می دهد که عددی بین ۲۸ تا ۱۶۸ می باشد. به طور جزئی تر، هر خرده مقیاس شامل تعدادی از سؤالات می گردد که مجموع نمرات سؤالات مربوطه، نمره ی خام آن خرده مقیاس را تشکیل می دهد. خرده مقیاس ها شامل خودآگاهی شامل سؤالات ۱ تا ۶، خود مدیریت شامل سؤالات ۷ تا ۱۵، آگاهی اجتماعی شامل سؤالات ۱۶ تا ۲۰ و مدیریت رابطه شامل سؤالات ۲۱ تا ۲۸ می باشند. برای تعیین روایی، این آزمون به همراه آزمون هوش هیجانی بار- ان در یک گروه ۹۷ نفری اجرا شد که ضریب همبستگی در سطح ۹۹/۰ معنی دار بود. همچنین ضرایب پایایی مؤلفه های هوش هیجانی به ترتیب برابر با ۰/۷۳، ۰/۷۸، ۰/۷۶ و ۰/۷۶ بود. به علاوه آزمون در گروه ۲۸۴ نفری دیگر (۱۱۵ پسر، ۱۳۹ دختر) فقط یکبار اجرا شد و ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرون باخ ۸۸/۰ بود. (برادبری و گریوز، ترجمه گنجی، ۱۴۰۰). گنجی و همکاران (۱۳۸۵) پایایی چهار مؤلفه ی خودآگاهی، خود مدیریت، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه را به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۸۷، ۰/۷۸ و ۰/۷۶ به دست آوردند. همچنین، ضریب پایایی کل پرسشنامه را ۰/۹۰ به دست آمده و همسانی درونی آن را با استفاده از روش آلفای کرون باخ به اندازه ی ۰/۸۳۱ تعیین کردند. برای به دست آوردن روایی آزمون، گنجی و همکاران (۱۳۸۵) از روش همبستگی پیرسون بین دو آزمون هوش هیجانی برادبری گریوز و بار- ان استفاده کردند. همبستگی کلی بین دو آزمون ۰/۶۷ بوده و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار بود.

– پرسشنامه تفکر استراتژیک

پرسشنامه تفکر استراتژیک توسط گلن^۳ (۲۰۰۷) طراحی و اعتباریابی شده است، این پرسشنامه شامل ۱۲ گویه بسته پاسخ بر اساس طیف طیف پنج درجه ای لیکرت می باشد، پرسشنامه چهار بعد تفکر مفهومی، تفکر سیستمی، تفکر هوشمندانه و تفکر آینده نگر را موردسنجش قرار می دهد. طیف مورد استفاده در پرسشنامه بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت (خیلی کم، کم، تاندازه ای، زیاد و خیلی زیاد) می باشد. روایی پرسشنامه در پژوهش گلدمن (۲۰۰۷) از طریق تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت. در مطالعه کریمیان (۱۳۹۳) برای به دست آوردن

¹ Cassi

² Schumacker & Lomax

³ Goldman

روایی پرسشنامه از نظرات استاد راهنما و چندین تن از دیگر اساتید و متخصصین و کارشناسان استفاده شده است و از آن‌ها در مورد مربوط بودن سؤالات، واضح بودن و قابل فهم بودن سؤالات و اینکه آیا این سؤالات برای پرسش‌های تحقیقاتی مناسب است و آن‌ها را موردسنجش قرار می‌دهد، نظرخواهی شد و مورد تأیید قرار گرفت. گلدمن (۲۰۰۷) برای پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرون باخ استفاده کرد و پایایی پرسشنامه را ۰/۸۹ گزارش کرد. در مطالعه کریمیان (۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه بر اساس یک مطالعه مقدماتی بر روی نمونه ۳۰ نفری پایایی پرسشنامه ۰/۷۷ محاسبه شد.

- پرسشنامه ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای

این پرسشنامه توسط لایستل^۱ و همکاران (۲۰۱۰) طراحی شده و دارای ۱۲۴ سؤال بوده و هدف آن سنجش ۱۴ ذهنیت طرح‌واره‌ای (ذهنیت کودک آسیب‌پذیر، ذهنیت کودک عصبانی، ذهنیت کودک غضبناک، ذهنیت کودک تکانشی، ذهنیت کودک بی‌انضباط، ذهنیت کودک شاد، ذهنیت تسلیم‌شده مطیع، ذهنیت محافظ بی‌تفاوت، ذهنیت خود آرام‌بخش بی‌تفاوت، ذهنیت خود بزرگ‌منش، ذهنیت زورگو و تهاجمی، ذهنیت والد تنبیه گر، ذهنیت والد پرتوقع، ذهنیت بزرگسال سالم) است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده که از (۱) هیچ‌وقت تا ۶ همیشه (نمره‌گذاری شده و نمرات بالا نشانگر حاکمیت آن ذهنیت بر سیستم پردازش اطلاعات است. ذهنیت‌ها به ۴ حوزه کلی تر تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: ذهنیت‌های کودک آسیب‌دیده، ذهنیت‌های منتقد درونی (والد ناکارآمد)، ذهنیت‌های مقابله‌ای ناسازگار، و ذهنیت‌های سالم. طبق تحقیقات انجام‌شده (لایستل و همکاران، ۲۰۱۰) در مورد پایایی این آزمون، همبستگی درونی خرده مقیاس‌ها، که از طریق آلفای کرون باخ به‌دست آمده از ۰/۷۶ تا ۰/۹۶ با میانگین ۰/۸۹ است. حنایی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی جهت برآورد پایایی، از روش محاسبه همبستگی درونی (آلفای کرون باخ) و روش آزمون - بازآزمون استفاده نمود که آلفای کرون باخ به‌دست آمده، ۰/۹۰ می‌باشد.

یافته‌ها

میانگین سنی گروه نمونه ۳۸/۶۲ (۴/۲۷) بود. ۳۲/۴ درصد افراد گروه نمونه مجرد و ۷۶/۶ درصد متأهل بودند. همچنین ۷/۲ درصد افراد گروه نمونه دارای مدرک کارشناسی، ۵۸/۸ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۲۶/۸ درصد دارای مدرک دکتری و ۷/۲ درصد دارای مدرک پست DBA بودند.

جدول (۱): شاخص‌های توصیفی و نرمالیتیه بودن متغیرها

مؤلفه‌ها	میانگین	k-s	مؤلفه‌ها	میانگین	k-s
خودآگاهی	۲۳/۳۸	۰/۰۹۱	کودک عصبانی	۱۹/۳۸	۰/۰۹۳
خود مدیریتی	۲۳/۸۵	۰/۰۸۵	کودک غضبناک	۱۵/۰۱	۰/۱۷۵
آگاهی اجتماعی	۱۴/۹۴	۰/۱۷۹	کودک تکانشی	۱۲/۸۳	۰/۱۷۲
مدیریت رابطه	۲۴/۲۵	۰/۰۸۸	کودک بی‌انضباط	۱۰/۸۸	۰/۲۰۶
مجموع میانگین‌های هوش هیجانی	۸۶/۴۴	۰/۱۰۰	کودک شاد	۲۳/۱۲	۰/۱۰۶
تفکر مفهومی	۱۰/۰۱	۰/۱۸۴	تسلیم‌شده مطیع	۲۶/۸۷	۰/۲۶۶
تفکر سیستمی	۹/۲۶	۰/۱۵۷	محافظ بی‌تفاوت	۸/۲۲	۰/۱۰۶
تفکر هوشمندانه	۹/۱۱	۰/۱۶۴	خود آرام‌بخش بی‌تفاوت	۲۴/۳۳	۰/۰۶۵
تفکر آینده‌نگر	۹/۷۵	۰/۲۰۲	خود بزرگ‌منش	۲۳/۱۶	۰/۰۶۸
تفکر استراتژیک	۳۸/۱۵	۰/۱۰۰	زورگو و تهاجمی	۲۴/۳۴	۰/۰۵۹
ابراز هیجان مثبت	۱۷/۱۷	۰/۱۶۵	والد تنبیه گر	۲۳/۰۴	۰/۰۷۲
ابراز صمیمیت	۱۵/۲۱	۰/۱۱۹	والد پرتوقع	۱۹/۲۳	۰/۱۱۰
ابراز هیجان منفی	۱۰/۳۶	۰/۱۵۱	بزرگسال سالم	۲۱/۰۶	۰/۱۲۲
مجموع میانگین‌های ابراز گری	۴۲/۷۶	۰/۰۸۸	مجموع میانگین‌های ذهنیت‌ها	۲۸۲/۱۴	۰/۲۰۰
کودک آسیب‌پذیر	۳۰/۶۱	۰/۱۶۹			

از مؤلفه‌های هوش هیجانی، آگاهی اجتماعی دارای پایین‌ترین میانگین (۱۴/۹۴) و مدیریت رابطه دارای بالاترین میانگین (۲۴/۲۵) می‌باشد. مجموع میانگین‌های هوش هیجانی نیز ۸۶/۴۴ است. از مؤلفه‌های تفکر استراتژیک، تفکر هوشمندانه دارای پایین‌ترین میانگین (۹/۱۱) و تفکر مفهومی دارای بالاترین میانگین (۱۰/۰۱) می‌باشد. مجموع میانگین‌های تفکر استراتژیک ۳۸/۱۵ است. از مؤلفه‌های ابراز هیجان، ابراز هیجان مثبت دارای بالاترین میانگین (۱۷/۱۷) و ابراز هیجان منفی دارای پایین‌ترین میانگین (۱۰/۳۶) می‌باشد. مجموع میانگین‌های ابراز هیجان نیز ۴۲/۷۶ است. از میان ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای، کودک آسیب‌پذیر دارای بالاترین میانگین (۳۰/۶۱) و محافظ بی‌تفاوت دارای پایین‌ترین میانگین (۸/۲۲) می‌باشد. مجموع میانگین‌های طرح‌واره‌ای نیز دارای میانگین ۲۸۲/۱۴ می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه داده‌های آماره کولموگروف اسمیرنوف بزرگتر از ۰/۰۵ است، داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند.

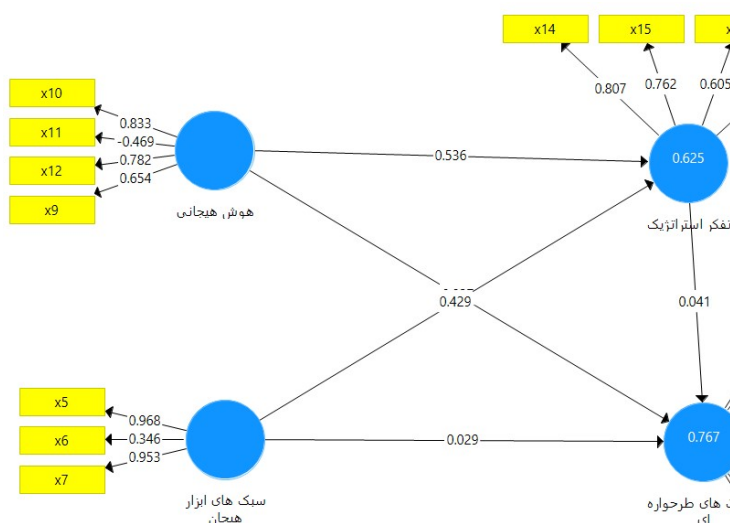
¹ Lobbestael

جدول (۲): ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
سبک‌های ابزار هیجان (۱)	-			
هوش هیجانی (۲)	۰۰/۳۰۹**	-		
تفکر استراتژیک (۳)	۰/۴۸۰**	۰/۶۸۶**	-	
ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای (۴)	۰/۱۸۳**	۰/۴۵۱**	۰/۲۵۷**	-

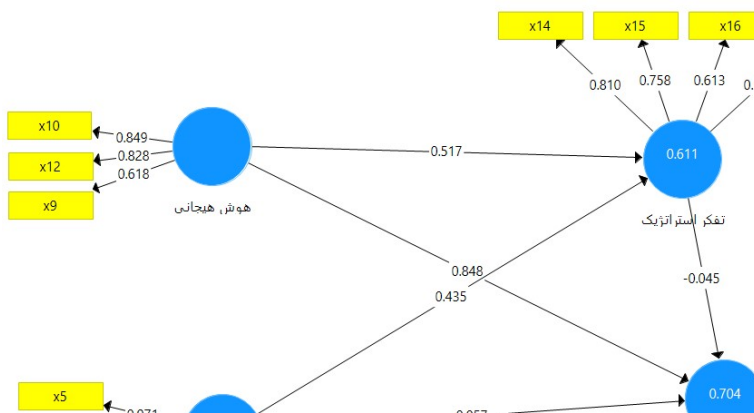
**<۰/۰۱, *<۰/۰۵

در جدول فوق مقادیری که علامت ستاره در بالای آن درج شده نشان از معنی‌داری رابطه بین دو متغیر دارد. به بیانی دیگر بین تمام متغیرها با یکدیگر رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.



شکل (۱): بررسی برازش مدل

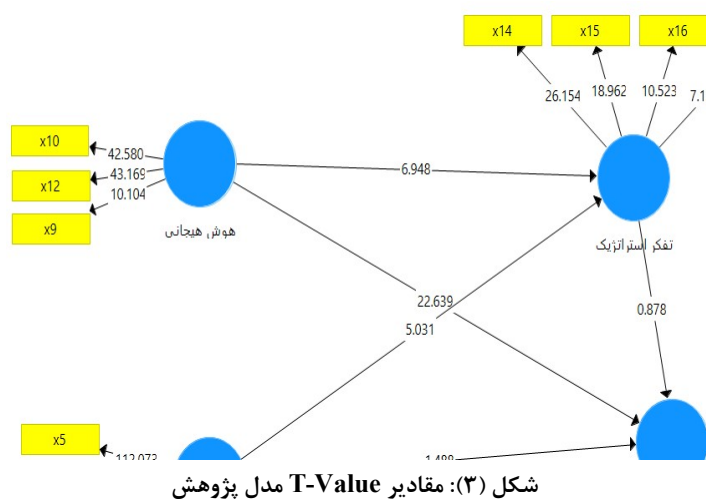
همان‌طور که در مدل فوق مشاهده می‌شود، بارهای عاملی بعضی از گویه‌ها زیر ۰/۴ و حتی منفی هستند. این مسئله برازش مدل را دچار مشکل می‌کند. به همین علت، گویه‌های منفی و زیر ۰/۴ حذف شدند. مدل اصلاح‌شده به شرح زیر است:



شکل (۲): ضرایب رگرسیونی استاندارد مدل پژوهش

با توجه به مدل برازش داده‌شده فوق، ضریب رگرسیونی استاندارد شده تأثیر هوش هیجانی بر تفکر استراتژیک و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای به ترتیب برابر ۰/۵۱۷ و ۰/۸۴۸ است. ضریب رگرسیونی استاندارد شده تأثیر سبک‌های ابزار هیجان بر تفکر استراتژیک و ذهنیت‌های

طرح‌واره‌ای به ترتیب برابر ۰/۴۳۵ و ۰/۰۵۷ است. همچنین ضریب رگرسیونی استاندارد شده تأثیر تفکر استراتژیک بر ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای برابر ۰/۰۴۵- است. مقدار ضریب تعیین تعدیلی (R^2) برای متغیرهای تفکر استراتژیک و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای به ترتیب برابر ۰/۶۱۱ و ۰/۷۰۴ است. به این معنی که ۶۱/۱ درصد از تغییرات متغیر تفکر استراتژیک توسط هوش هیجانی و سبک‌های ابزار هیجان و ۷۰/۴ درصد از تغییرات ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای توسط هوش هیجانی، سبک‌های ابزار هیجانی و تفکر استراتژیک توجیه می‌شود. با توجه به این که در نرم‌افزار اسمارت پی ال اس از مقدار آماره تی برای بررسی معنی‌دار بودن روابط استفاده می‌شود و این مقدار برای خطای ۵ درصد ۱/۹۶ می‌باشد برای بررسی معنی‌داری از مقایسه مقدار آماره تی روابط با مقدار ۱/۹۶ استفاده می‌گردد، به‌طوری که اگر مقدار آماره تی از مقدار مذکور بیشتر باشد، رابطه نشان داده شده معنی‌دار است. شکل زیر مدل مقادیر t-value را نمایش می‌دهد:



جدول (۳) ضرایب رگرسیونی متغیرهای مدل

شرح	ضریب	آماره تی
تفکر استراتژیک	-->	۰/۵۱۷
ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای	-->	۰/۸۴۸
تفکر استراتژیک	-->	۰/۴۳۵
ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای	-->	۰/۰۵۷
ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای	-->	-۰/۰۴۵

همان‌طور که مقادیر تی مشاهده می‌شود، سه متغیر اول معنادارند، اما دو متغیر آخر معنادار نیستند. به عبارت دیگر هوش هیجانی بر تفکر استراتژیک و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای تأثیرگذار است. همچنین سبک‌های ابزار هیجان بر تفکر استراتژیک تأثیرگذار است.

جدول (۴) نتایج سه معیار آلفای کرون باخ، پایایی و روایی همگرا

متغیرها	ضریب آلفای کرون باخ (Alpha>0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (Cr>0.7)	میانگین واریانس استخراجی (AVE>0.5)
تفکر استراتژیک	۰/۶۱۸	۰/۷۷۴	۰/۴۶۹
ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای	۰/۶۷۷	۰/۸۲۲	۰/۶۰۷
سبک‌های ابزار هیجان	۰/۹۲۹	۰/۹۶۵	۰/۹۳۳
هوش هیجانی	۰/۶۵۲	۰/۸۱۳	۰/۵۹۶

الف-با توجه به اینکه اعداد پایایی ترکیبی (سازگاری درونی) و AVE همگی در بازه مربوطه قرار گرفته‌اند، می‌توان مناسب بودن وضعیت پایایی و روایی همگرایی مدل پژوهش را تأیید کرد. البته باید به اینکه نکته توجه کرد که میانگین واریانس استخراجی برای تفکر استخراجی کمتر از ۰/۵ است، اما می‌توان با اغماض آن را تأیید کرد. ضریب آلفای کرون باخ نیز تقریباً برای سه متغیر نزدیک ۰/۷ (ناحیه مجاز) است.

جدول (۵): معیارهای نیکویی برازش مدل

متغیرها	محدوده قابل قبول	مقدار مشاهده شده	نتیجه
SRMR	کمتر از ۰/۰۸	۰/۱۱۹	برازش نامناسب
d-ULS	کمتر از ۰/۹۵	۱/۱۰۲	برازش نامناسب
d-GI	کمتر از ۰/۹۵	۰/۵۷۸	برازش مناسب
Chi-square	بیشتر از ۱/۹۶	۷۲۹/۹۱۴	برازش مناسب
NFI	بیشتر از ۰/۲۵	۰/۵۷۴	برازش مناسب

با توجه به مقادیر به دست آمده، داده‌های جمع‌آوری شده برای اندازه‌گیری متغیرهای پنهان از کفایت و برازش لازم نسبی برخوردارند.

جدول (۶): مقادیر آماره استون گیسر متغیرها

متغیرها	معیار استون گیسر	وضعیت
تفکر استراتژیک	۰/۱۶۸	متوسط
ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای	۰/۲۴۱	قوی
سبک‌های ابزار هیجان	۰/۵۸۶	قوی
هوش هیجانی	۰/۲۳۶	قوی

مقدار آماره Q^2 (استون-گیسر) قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها تأثیر کافی بر یکدیگر می‌گذارند. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به عنوان مقادیر قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند. این مقدار برای متغیر تفکر استراتژیک برابر ۰/۱۶۸ برای متغیر ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای برابر ۰/۲۴۱، برای متغیر سبک‌های ابزار هیجان برابر ۰/۵۸۶ و برای متغیر ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای برابر ۰/۲۳۶ است که متوسط و قوی بودن این مقادیر نشان‌دهنده تناسب پیش‌بین برای این سازه‌ها می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد مدل برای اندازه‌گیری متغیرهای پنهان از کفایت و برازش لازم نسبی برخوردارند. علاوه بر این تفکر استراتژیک و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای دارای تناسب پیش‌بینی متوسط و قوی می‌باشند. همچنین ضریب رگرسیونی استاندارد شده تأثیر تفکر استراتژیک بر ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای برابر ۰/۰۴۵- است. مقدار ضریب تعیین تعدیلی (R^2) برای متغیرهای تفکر استراتژیک و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای به ترتیب برابر ۰/۶۱۱ و ۰/۷۰۴ است. به این معنی که ۶۱/۱ درصد از تغییرات متغیر تفکر استراتژیک توسط هوش هیجانی و سبک‌های ابزار هیجان و ۷۰/۴ درصد از تغییرات ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای توسط هوش هیجانی، سبک‌های ابزار هیجانی و تفکر استراتژیک توجیه می‌شود. این نتایج با نتایج پژوهش پاگانی و اوتو (۲۰۲۱) و سولمون^۱ (۲۰۲۱) ناهمسو و با نتایج پژوهش‌های انوری پور (۱۴۰۰)، بشارت، خلیلی خضرآبادی، رضازاده و حسینی (۱۳۹۶)، رشیدی (۱۳۹۸)، امانی (۱۳۹۸) و هیونگ^۲ (۲۰۲۰) همسو می‌باشد.

ایجاد ارتباط در زمینه هوش هیجانی و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای بر این گونه است که پیشبرد و جهت‌دهی مسائل و مشکلات بر اساس طرح‌واره‌های ذهنی ما سمت و سویی متفاوت در هر انسان را پایه‌گذاری نموده و باعث بروز و طرح راه‌حل‌های متفاوت در جهت حل مسئله با توجه به طرح‌واره‌های هر فرد می‌شود. از این رو می‌توان معادله‌های راه‌حلی متفاوتی را در زمینه هوش هیجانی از افراد انتظار داشت. چراکه تصمیم‌گیری مؤثر بر اساس طرح‌واره‌ها با وجود این که محدودیت‌های خود را دارا می‌باشند، نقش قابل توجهی در پیشبرد این موضوع دارند (آرنتز^۳، ۲۰۱۷). اما میانجی‌گری تفکر استراتژیک در رد این فرضیه کمک شایانی کرده است. چراکه خود این مدل از تفکر دارای ویژگی برنامه‌ریزی و دستورالعمل برای ارزیابی انتخاب‌ها و تطابق تصمیم‌گیری باهدف نهایی است به همین دلیل هر میزان که طرح‌واره‌ها دخالت داشته باشند تفکر استراتژیک میزان اثرگذاری آن‌ها را کاهش داده و با ساخت یک برنامه مدون، پیش‌زمینه‌های ذهنی فرد را برای تصمیم‌گیری نهایی تحت الشعاع قرار داده و به هوش هیجانی راهکاری متفاوت و متنوع ارائه می‌دهد که در راستای بازدهی و نتیجه دهی

¹ Solmon

² Hiung

³ Arntz

قدم بر دارد و فارغ از تأثیرات بیرونی، طرح‌واره‌های ذهنی آن‌ها را به کنار رانده و اثر متقابل خود را بر هوش هیجانی بگذارد. تقابل تفکر استراتژیک و طرح‌واره‌های ذهنی اثرپذیری خود را بر هوش هیجانی با طرح مسیر تفکری نشان داده و باعث تغییر جهت تصمیمات فرد برخلاف رویکردهای محدود طرح‌واره‌های ذهنی می‌شود و بر بنیان‌گذاری تفکری چندلایه و مسیرهای مختلف برای اثربخشی مستقیم یا غیرمستقیم بر نتیجه یک مسئله که چندین بعد را دربرمی‌گیرد تأکید داشته و محدودیت‌ها را کنار می‌زنند.

با توجه به طرح‌واره‌های ذهنی متفاوت در هر فرد که البته مشابهت‌هایی در دسته و گروهی از افراد در آن‌ها نیز دیده می‌شود (لابستل و همکاران، ۲۰۱۰)، مسئله واگویی هیجانی و ابراز هیجانات می‌تواند بر اساس دسته‌بندی طرح‌واره‌های مختلف به شکل‌های متنوع و البته مختص به هر فرد با توجه به پیش‌زمینه‌های ذهنی افراد ابراز و برون‌ریزی داشته باشد که در این راستا سبک‌های مختلفی از ابراز هیجانات بر اساس پیش‌زمینه‌های ذهنی متناسب و در تطابق با انسان صورت می‌پذیرد. هر چند که میانجی‌گری تفکر استراتژیک بر بروز هیجانات مثبت و منفی تأثیرپذیر بوده و اثربخشی طرح‌واره‌های افراد را دستخوش تغییرات بنیادین قرار می‌دهد. باید توجه داشت ایجاد یک شالوده فکری-راهبردی دارای برنامه‌ریزی و دستورالعمل که همراه با نگرش سیستماتیک، تفکر در زمان، فرضیه‌سازی، تمرکز بر هدف و فرصت‌جویی هوشمندانه است، از برون‌ریزی هیجانات به هر شکل و سببی جلوگیری کرده، چراکه با توجه به ویژگی‌های فوق بر طرح‌واره‌های ذهنی فرد اثرگذار بود و مدل ابراز گویی هیجانات را با توجه به دستورالعمل‌های چندلایه در راستای نتیجه‌گیری و بازدهی به بهترین شکل به صورت متفاوت تبدیل می‌کند. همچنین پیش‌زمینه‌های ذهنی غایتی در فرد است که تفکر استراتژیک بنا بر ذات چندبعدی بودن خود بر مبنای برنامه‌ریزی و الگوهای مختلف مدل‌های فکری ارائه‌دهنده آن را دچار تحول نموده و بر خروجی طرح‌واره تأثیرگذار است. شکل بروز هیجان را با توجه به غلبه تفکر راهبردی بر احساسات بازنویسی کرده و در رد ارتباط سبک‌های مختلف ابراز هیجان با طرح‌واره‌های ذهنی فرد بر اساس جهت‌دهی چند شاخه‌ای خود بر پایه ثبات و پایداری در محیط، فرصت‌جویی و ارزیابی یک مسئله از چند جهت و مسیر و ایجاد یک نتیجه که متشکل از تصمیم‌گیری‌های چندگانه با برنامه‌ریزی و تدوین استراتژیک در قالب یک سیستم است، مؤثر می‌باشد.

در این پژوهش اطلاعات و داده‌ها از طریق خود گزارش دهی شرکت‌کنندگان و به‌وسیله پرسشنامه جمع‌آوری شد، که ممکن است تحت تأثیر عوامل متعدد مثل گرایش پاسخ‌دهندگان به ارائه تصویر مثبت باشد. توصیه می‌شود دوره آموزش مهارت‌های مبتنی بر سبک‌های ابراز هیجان را به صورت برنامه‌ریزی شده در سازمان‌ها اجرایی کنند. همچنین به منظور ارتقای بهداشت روانی در جامعه، پیشنهاد می‌گردد که سازمان‌ها و مؤسسات از طرح‌های آموزشی روانی، مانند آموزش ارتقاء هوش هیجانی و بهبود ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای استقبال نموده، با مجریان این طرح‌ها کمال همکاری را به عمل آورند.

منابع

- اخوتی، ف و جمشیدی، س (۱۳۹۶). ماهیت طرح‌واره و تشریح طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، *اولین همایش ملی پژوهش‌های علوم اجتماعی و علوم رفتاری ایران*، ۱۴-۱
- امانی، ا. (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای طرح‌واره‌های هیجانی و ابراز‌گری هیجانی در دانشجویان متأهل و مجرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- ایرانی، ش (۱۳۹۸). پیش‌بینی کیفیت زندگی بیماران مبتلا به ویتیلیگو بر اساس ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای، پوست و زیبایی، ۱۰(۲)، ۸۰-۶۹
- ایزدی، ف؛ اشرفی، ع و فتحی آشتیانی، ع (۱۳۹۷). الگوی ساختاری رابطه بین طرح‌واره‌های هیجانی منفی و نشانه‌های بدنی با میانجی‌گری ناگویی هیجانی و ابراز‌گری هیجانی، *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۶(۳)، ۳۱۱-۳۲۳
- آقایی‌گلدیانی، پ و غیائی، ز (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی بازی درمانی و طرح‌واره درمانی بر روی ذهنیت کودک آسیب‌پذیر در کودکان دارای اختلالات یادگیری، *مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۳(۳۲)، ۴۴-۳۷
- بازیاری، ب و مهدی زاده اشرفی، ع (۱۴۰۰). تأثیر تفکر استراتژیک مدیران بر توانمندسازی و تعهد سازمانی کارکنان سازمان‌های دولتی شهرستان فیروزکوه، *چهارمین کنفرانس بین‌المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*، تهران
- برادبری، ت و گریوز، ج (۱۴۰۰) *هوش هیجانی (مهارت‌ها و آزمون‌ها)*. ترجمه مهدی گنجی. چاپ چهارم، تهران: ساوالان، انتشار به زبان اصلی (۲۰۰۵)
- بشارت، م؛ خلیلی خضرابادی، م؛ رضازاده، م و حسینی، ا (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین روان سازه‌های ناسازگار اولیه با ناگویی هیجانی، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۸(۲۹)، ۲۰۶-۱۸۳
- تبیانیان، ح؛ علیرضایی، ز؛ عبدوستی، ب و مصباح، ا (۱۴۰۰). تفکر استراتژیک در سازمان‌ها؛ مدل‌ها، ابعاد و کارکردها، *دومین کنفرانس بین-المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری*، دامغان.
- جاوید پشکه، ف و جوادی، م (۱۳۹۸). پیش‌بینی اضطراب اجتماعی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه دانش آموزان، *پنجمین کنفرانس ملی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، کاربردها و توانمندسازی با محوریت روان‌درمانی*، تهران

داشگرزاده، خ؛ حق‌شناس کاشانی، ف و مهدی نژاد، ش (۱۳۹۱). تفکر استراتژیک مدیران و توانمندسازی کارکنان (در سازمان تأمین اجتماعی استان آذربایجان شرقی). نشریه مدیریت کسب‌وکار، ۴(۱۵)، ۳۳-۹

داماسیو، آ (۱۳۹۷). *آشنابۀ دکارت*، ترجمه مهوش سهرابی و فاطمه عباسی فر، چاپ سوم، تهران: نشر دایره، انتشار به زبان اصلی (۱۹۹۴)

رامتین فر، ه و علیزاده، م (۱۳۹۹). رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با هوش هیجانی و تنظیم هیجانی در سالمندان مبتلا به دیابت، *فصلنامه پرستاری، مامایی و پیراپزشکی*، ۶(۳)، ۷۸-۸۷

رشیدی، س (۱۳۹۸). *پیش‌بینی ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای بر اساس ناگویی هیجانی و سبک‌های ابراز هیجان در دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران غرب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

شوماخر، رندال، ای، و لومکس، ریچارد، جی. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری*. ترجمه وحید قاسمی. چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

صبحی قراملکی، ن؛ مشایخ، ف؛ بوربور، و عباسی، م (۱۳۹۹). مقایسه ابراز گری هیجان، سیستم‌های بازداري / فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل بالاترکلیفی در نوجوانان بزهکار و عادی، *رویش روان‌شناسی*، ۵۳، ۱۴۳-۱۵۲

قنبری، م؛ میرزا حسینی، ح و ستایشی اظهري، م (۱۳۹۷). رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و استرس شغلی با نقش میانجی‌گری هوش هیجانی در کارمندان بانک، *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۳(۲۷)، ۱-۱۶

موسی زاده، ت و عظیمی، ص (۱۳۹۸). رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش هیجانی با پرخاشگری دانش آموزان پسر متوسطه دوم شهرستان پارس‌آباد، *دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی*، اردبیل

میرباقری، م؛ منیر پور، ن و ضرغام حاجبی، م (۱۳۹۹). ارتباط طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با عملکرد سازمانی: نقش میانجی سکوت سازمانی و راهبردهای مقابله‌ای مدیران زن، *پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۱(۱)، ۱۲۷-۱۱۳

نایب زاده، ش و صنیعی، س (۱۳۹۱). بررسی رضایت کارکنان و رابطه آن با عملکرد بانک، *همایش علوم مدیریت نوین*، گرگان

نعمی پور ع و پورمیدانی س (۱۳۹۶). پیش‌بینی گرایش به آرایش بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان و دختران شهر اصفهان. *تحقیقات روانشناسی اجتماعی*، ۷(۲۷): ۶۷-۷۸.

یانگ، ج (۱۳۹۹). *شناخت درمانی اختلالات شخصیت: رویکرد طرح‌واره محور*، ترجمه علی صاحبی و حسن حمید پور، تهران: ارجمند

یانگ، ج؛ کلوکسو، ژ و ویشار، م (۱۳۹۹). *طرح‌واره درمانی*، ترجمه: حمید پور، حسن؛ و اندوز، زهرا. تهران: ارجمند. تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۳.

- Alshammari F, Pasay-an E, Gonzales F, Torres SH. (2020). Emotional intelligence and authentic leadership among Saudi nursing leaders in the Kingdom of Saudi Arabia. *J Prof Nurs*; 4: In Press.
- Arntz A. (2017). Schema therapy for personality disorders: a qualitative study of patients' and therapists' perspectives. *Behav Cog Psycho Ther*; 45(1): 31-45
- Bonn, I. (2005). Improving Strategic Thinking: A Multilevel Approach. *Leadership and Organizational Development Journal*, 26(5), 336-345.
- Emmons, R. A., & Colby, P.M. (2013). Emotional conflict and well-being, relation to perceived availability. Daily utilization and observer report of social support. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68(5), 947 – 959.
- Hiung, C. (2020). Investigating the relationship between emotional intelligence and organizational commitment and strategic thinking in government employees and managers. *International journal of environmental research and public health*; (11):40-65.
- Lobbetael J, van Vreeswijk M, Spinhoven P, et al. (2010). Reliability and validity of the short Schema Mode Inventory (SMI). *Behav Cog Psychother*; 38(4): 437-58
- Mayer, J.D., & Salovey, P. (1997). *What is emotional intelligence?* In P.Salovey & D. Shuyter (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence: Implications for educators*. New York: Basic Books.
- Nelson, D., & Low, G. (2003). Emotional skill assessment process: Interpretation & Intervention, Kingsville, Texas: *learning system*, 4(3): 197-208.
- Palmatier, G., (2008) *Strategic Planning: An Executive's Aid for Strategic, Thinking, Development and Deployment, Outsourced Logistics*
- Sanche D, Ruis J. (2017). Increasing emotional intelligence: (How) is it possible? *Pers Individ Dif*; 47: 36-41
- Solmon, A. J. (2021). The relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems: a meta-analytic review. *Clinical Psychology Psychotherapy*, 27(3), 408-447
- Suliman, A, & Al-shaikh, N; (2007). Emotional Intelligence at work: *links to conflict ND INNOVATION*. 29, (2). 758-762

Determining the Causal Model of Schematic Mentalities Based On Emotional Intelligence and Emotion Expression Styles Mediated By Strategic Thinking in Bank Employees

Zeinab Ghiasi¹, Parastoo Aghaie Galdiani²

Abstract

Background & Aims: The purpose of this study was to determine the causal model of schema mentalities based on emotional intelligence and emotional expression styles mediated by strategic thinking in bank employees. **Materials & Methods:** The present study was applied in terms of purpose and descriptive in terms of method, correlational (relational) type. The population consisted of male employees aged 30 to 45 years of banks in District 1 of Tehran, from which 250 people were selected as a convenience sample and completed the King and Emmons (1990) Emotional Expressiveness Questionnaire, Bradbury and Graves (2004) Emotional Intelligence, Goleman's Strategic Thinking (2007) and Labstel et al.'s Schematic Mentalities (2010) Questionnaires. **Results:** The research findings showed that the model has the relative adequacy and necessary fit for measuring latent variables. In addition, strategic thinking and schema mentalities have moderate and strong predictive fit. Also, 61.1% of the changes in the strategic thinking variable are explained by emotional intelligence and emotional instrumental styles, and 70.4% of the changes in schema mentalities are explained by emotional intelligence, emotional instrumental styles, and strategic thinking. **Conclusion:** Discussion and Conclusion: Based on the structure of strategic thinking and its trainability, involving this type of thinking can redefine the path of the relationship between schema mentalities with emotional intelligence and emotional expression styles.

Keywords: Schema Mentalities, Emotional Intelligence, Emotional Expression Styles, Strategic Thinking

¹ Master of Educational Psychology, Danesh Alborz University, Abiq, Iran (Corresponding Author)

² Master of Educational Psychology, Ivan Kay University, Ivan Kay, Iran